

## عنوان مقاله:

مبانی نظری معماری اشرافی

## محل انتشار:

فصلنامه فردوس هنر، دوره 1، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسنده:

سیدموسی دیباج - دانشیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

## خلاصه مقاله:

بیان مسئله: معماری اشرافی یعنی آن معماری که در تعریف مبانی اولیه اعم از اجزاء، مقدمات و کلیت مبتنی بر نظریه فلسفی و وجودشناسی اشراف باشد؛ فلسفه‌ای که مؤسس آن در عالم اسلامی شیخ شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراف است و قطب‌الدین شیرازی از مفسران مشهور آن است. این معماری تا آنجا که فلسفه اشرافی نظریه ارسطویی ماده و صورت را در خود هضم و جذب کرده و با آن همراه است از معماری کلاسیک که مفاهیم فلسفی صورت و ماده جوهر و عرض را مفروض می‌شمارد، تمیز داده نمی‌شود. ماده تا بی‌نهایت تقسیم‌پذیر است و آنچه به آن وحدت می‌بخشد صورت است، اما آن اصل متافیزیکی مهمی که مخصوص معماری اشرافی است و بر صورت افزون می‌شود و حتی بر آن غلبه دارد؛ نور است. هدف مقاله: در این مقاله درباره فرضیه معماری نور و امکان انطباق آن با نور محصور در فیزیک و معماری مبتنی بر صورت فضایی بحث می‌شود. این مقاله هنوز مدعی استخراج معماری موسوم به اشراف نیست بلکه در مبانی فرضیه چنین معماری غور و تحقیق می‌کند که می‌تواند موردعلاقه اندیشمندان معمار ملی و اسلامی این سرزمین باشد. نتیجه‌گیری: فضاهای نوری در معماری یعنی آن فضاها که به صورت مستقیم و غیرمستقیم از شعاع نور بهره‌مندند بر فضاهای غیرنوری نه‌تنها در ظهور غلبه دارند بلکه معنی و مفهوم و حتی مفاهیم بنیادی فضاهای غیرنوری جهان منوط به معنی و مفهوم فضاهای نوری است. این فضاهای نوری در حکم آینه‌هایی هستند که فضاهای واقعی و جهان واقع ما را احاطه کرده‌اند و از آنها گریزی به خارج نداریم. اما ما جهان واقعی و فضای واقعی را پذیرفته‌ایم زیرا ما به فضاهای نوری که متمایز کننده‌اند واقف هستیم. از سوی دیگر می‌توان گفت در کنار فضاهای نوری فضاهای کور و تاریکی وجود دارند و از این رو که آنها را تنها در فضاهای روشن و نوری می‌توان به جای آورد تابع فضاهای روشن یافته می‌شوند. فضاهای روشن آینه‌اند و فضاهای گم شده را در آنها می‌توان به جای آورد و بازشناخت. برخلاف عقیده تیموتی میشل که می‌گوید جهان و امر واقعی کاملاً بیرون از تجلی و ظهور ظاهر می‌شود و قلمروی ناب واقعی است که مقدم بر همه ظهور است به نظر ما فضای نوری در شناخت مقدم بر فضای واقعی، تاریک و موهوم است و فضای موهوم و هیولایی بدون نور قابل شناخت نیست. معماری اشرافی یک معماری ضد راز و ضد استعاره‌ای است. همه چیز را باید آن‌چنان که شرقی است، تعریف کرد و ساخت. در زبان این معماری روشنی جای استعاره را می‌گیرد و همه چیز برای دیدن و دیده‌شدن به کار می‌آید.

## کلمات کلیدی:

فضای معماری، فضای نوری، نور اشرافی، طراحی نور، نور/ فضا، شهاب‌الدین سهروردی، مارتین هایدگر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1145369>

